



Criminalization of International Crimes in Tajikistan, Bosnia, and Afghanistan

Mohammad Saleh Taskhiri  ¹

1. Assistant Professor, Department of International Law, Faculty of Law, University of Qom, Iran, Qom, Email: taskhiri.ms@gmail.com

Abstract

Simultaneously with passing the treaty establishing the International Criminal Court (Rome Statute) and the establishment of the principle of complementary jurisdiction of this Court, a global movement was launched to enact domestic law criminalizing international crimes. While meeting domestic concerns, these laws also was hampering the Court's complementary jurisdiction, as they were providing domestic courts with the necessary jurisdiction to deal with international crimes. In this article, focusing on domestic laws of three Muslim-majority states and answers the question of why domestic laws in this area were passed and what are the differences between the experiences of these states? In this regard, using a descriptive-analytical approach, the present article evaluates the laws of Bosnia and Herzegovina, Tajikistan, and the former Afghanistan based on four criteria: the extent to which domestic law are influenced by the Rome Statute; the chronological precedence or delay in legislative time; the scope of crimes covered; and the range of punishments. Based on the findings of this article, due to the imitative and passive nature of the aforementioned laws, a model for enacting laws criminalizing international crimes can be designed and enacted, based on religious and national components; a model that, due to its unique nature, can be emulated by other Muslim states or Islamic intergovernmental organizations under formats such as joint legislation or model legislation.

Keywords: Statute of International Criminal Court, Joint Legislation, Model Legislation, Legal System of Tajikistan, Legal System of Afghanistan, Legal System of Bosnia and Herzegovina.

Received: 04/01/2025

Revised: 18/02/2025

Accepted: 24/04/2025

How To Cite: Taskhiri, Mohammad Saleh (2025). Criminalization of International Crimes in Tajikistan, Bosnia, and Afghanistan, *Criminal Law Doctrines of Islamic Countries*, 2 (2), 59-77.
<https://doi.org/10.22091/dclic.2025.12406.1055>

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research



جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی در کشورهای تاجیکستان، بوسنی و افغانستان

محمد صالح تسخیری^۱

۱. استادیار گروه حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم، ایران، قم، رایانامه: taskhiri.ms@gmail.com

چکیده

هم‌زمان با تصویب معاهده مؤسس دیوان بین‌الملل کیفری (اساسنامه رم) و تثبیت اصل صلاحیت تکمیلی این دیوان، جنبشی جهانی برای تصویب قانون داخلی جرم‌انگاری کننده جنایات بین‌المللی به راه افتاد. این قوانین ضمن تأمین دغدغه‌های داخلی، صلاحیت تکمیلی دیوان را با وقفه روبرو می‌ساختند؛ زیرا صلاحیت لازم برای محاکم داخلی در رسیدگی به جنایات بین‌المللی را فراهم می‌آوردند. در این نوشتار، با تمرکز بر قوانین داخلی سه دولت دارای جمعیت اکثریت مسلمان به این سؤال پاسخ داده شده است که تصویب قوانین داخلی در این حوزه با چه ضرورتی صورت پذیرفته و تجربیات این دولت‌ها چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد؟ در این راستا، مقاله پیش‌رو با روش تحلیلی توصیفی، قوانین سه دولت بوسنی و هرزگوین و تاجیکستان و افغانستان سابق را با چهار معیار «میزان تأثیرپذیری قانون داخلی از اساسنامه رم»، «تقدم یا تأخر زمان قانون‌گذاری»، «دامنه جرائم»، «دامنه مجازات‌ها» مورد ارزیابی قرار داده است. بر اساس یافته‌های این مقاله، به دلیل تقلیدی و منفعلانه بودن قوانین یادشده، می‌توان مبتنی بر مؤلفه‌های دینی و ملی، الگویی را در خصوص تصویب قوانین جرم‌انگاری کننده جنایات بین‌المللی طراحی و به تصویب برساند؛ الگویی که به دلیل فقدان نظیر، قابلیت الگوبرداری توسط دیگر دولت‌های مسلمان یا سازمان‌های میان‌دولتی اسلامی تحت قالب‌هایی همانند تقنین مشترک یا قانون‌گذاری نمونه را خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: اساسنامه دیوان بین‌الملل کیفری، تقنین مشترک، قانون‌گذاری نمونه، نظام حقوقی تاجیکستان، نظام حقوقی افغانستان، نظام حقوقی بوسنی و هرزگوین.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۴

استاد: تسخیری، محمد صالح (۱۴۰۴). جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی در کشورهای تاجیکستان، بوسنی و افغانستان، *آموزه‌های حقوق کیفری*

کشورهای اسلامی، ۲ (۲)، ۵۹-۷۷. <https://doi.org/10.22091/delic.2025.12406.1055>



نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

ارتکاب مصادیق متعدد جنایات بین‌المللی در سال‌های ۱۴۰۲-۱۴۰۳ هجری شمسی (۲۰۲۳-۲۰۲۴ میلادی) به‌ویژه در فلسطین و لزوم کنشگری ایران در قبال این فجایع، بار دیگر موضوع جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی را در محافل علمی و تقنینی ایران مطرح ساخت. این موضوع که در قالب اختیار یکی از دو راه پیوستن به معاهده مؤسس دیوان کیفری بین‌المللی (ازاین‌پس: اساسنامه رم) و تصویب قانون داخلی جرم‌انگاری کننده جنایات بین‌المللی، چالشی را پیش‌روی صاحب‌نظران قرار داد، نیاز به تأمل جدی در خصوص تجربه دیگر دولت‌ها در زمینه الحاق به اساسنامه رم، تصویب قانون داخلی یا انتخاب هم‌زمان هر دو راه‌حل را بیش‌ازپیش به نمایش گذاشت. تألیفات متعددی در قالب مقاله و کتاب به موضوع الحاق به اساسنامه رم پرداخته‌اند و سود و ضرر، چالش و فرصت مورد انتظار از الحاق را مورد بررسی قرار داده‌اند.

مقاله پیش‌رو به راه دوم، یعنی قانون‌گذاری داخلی برای جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی اختصاص یافته است. از آنجاکه ایران به‌عنوان یک دولت اسلامی، نظم حقوقی برخاسته از شریعت اسلامی دارد، نوشتار حاضر بر تجربیات دولت‌های مسلمان (با جمعیت اکثریت مسلمان) متمرکز شده است. این مقاله با نگاهی تطبیقی به این سؤال پاسخ می‌دهد که دولت‌های مسلمان (دارای جمعیت اکثریت مسلمان) با چه ضرورتی به تصویب قانون داخلی برای جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی اقدام کرده‌اند و تجربیات آن‌ها چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد؟ مقاله پس از تبیین ابعاد قانون‌گذاری داخلی این دولت‌ها، رهیافتی را برای قانون‌گذار ایرانی ارائه می‌دهد و تلاش می‌کند در چارچوب ارائه شده، از مسائل انتزاعی جدا و به راهکاری عینی بپردازد.

۱. ضرورت جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی

پس از امضای اساسنامه رم، اصطلاح مهمی در ادبیات حقوق بین‌الملل کیفری تثبیت شد که حکایت از تحول بنیادین در نظم حقوقی بین‌المللی بود. این اصطلاح عبارت است از اصل صلاحیت تکمیلی. اصل صلاحیت تکمیلی گویای این مفهوم است که صلاحیت اصلی و ذاتی رسیدگی به جنایات بین‌المللی متعلق به دولت‌هایی است که جنایت بین‌المللی توسط یکی از اتباع آن‌ها یا علیه یکی از اتباع آن‌ها یا در سرزمین آن‌ها ارتکاب یافته است (Zawati, 2016: 19). هرگاه این دولت‌ها به هر دلیلی، «توانایی» یا «تمایل» به محاکمه متهمین به ارتکاب جنایت بین‌المللی را نداشته باشند، این دیوان کیفری بین‌المللی (ازاین‌پس: دیوان) است که

برای «تکمیل» اراده نقصان یافته آن‌ها، صلاحیت می‌یابد تا به جنایات ارتكابی بپردازد (Mayans-Hermida & Holá, 2020: 1109).

اندراج اصل صلاحیت تکمیلی در اساسنامه رم منجر شد تا جنبشی تقنینی در نظام‌های حقوق داخلی در تصویب قانون خاص جنایات بین‌المللی به وقوع بپیوندد (Randhawa, 2022: 466). دلیل اصلی این موضوع این بود که یکی از نشانه‌های عدم «توانایی» که منجر به فعال شدن صلاحیت تکمیلی دیوان می‌گردد، فقدان صلاحیت محاکم داخلی برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی است. از این رو، مجالس قانون‌گذاری به تصویب قوانین داخلی در خصوص جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی اقدام کردند و به محاکم داخلی برای رسیدگی به این دسته از جرائم صلاحیت اعطا کردند. به بیان دیگر، وجود قانون داخلی، یکی از نشانه‌های بیانگر «تمایل» و «توانایی» (صلاحیت) یک دولت برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی و عاملی برای غیرفعال شدن صلاحیت تکمیلی به شمار می‌آید.

دولت‌ها دریافته‌اند که وجود جرائم مشابه جنایات بین‌المللی در قوانین داخلی، کفایت از جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی نمی‌کند. به بیان روشن‌تر با قوانین مربوط به عنوان مجرمانه «قتل»، نمی‌توان جنایت بین‌المللی «کشتار جمعی» را محاکمه کرد و با قوانین مربوط به عنوان مجرمانه «شکنجه و آدم‌ربایی» نمی‌توان جنایت بین‌المللی «نسل‌زدایی و جابه‌جاسازی اجباری» را مجازات کرد. نه تنها در جزئیات بلکه در سیاست جنایی میان این جنایات بین‌المللی و عناوین مجرمانه کنونی در قوانین داخلی تفاوت وجود دارد (دارابی، ۱۴۰۱: ۱۰۶-۱۰۸). از این رو، دولت‌ها اقدام به قانون‌گذاری مجزا برای جنایات بین‌المللی می‌کنند تا نظام کیفر و عقوبت آن‌ها تکمیل شود.

یکی از مهم‌ترین دلایلی که دولت‌ها اقدام به تصویب قوانین داخلی در این زمینه کرده‌اند، امکان تعریف جرائم و مجازات‌های آن‌ها مبتنی بر مؤلفه‌های داخلی در چارچوب کلی حقوق بین‌الملل است. به بیان روشن‌تر دولت‌ها مکلف به تکرار متن اساسنامه نبوده و نیستند؛ بلکه نقش آن‌ها در تصویب قوانین یاد شده نیمه‌فعال است (Fife, 2015: 1910-1915). نقش این دولت‌ها فعال مطلق نیست، یعنی نمی‌توانند از چارچوب حقوق بین‌الملل کیفری انحراف کامل پیدا کنند. نقش دولت‌ها منفعلانه نیز نیست و مکلف به تبعیت کامل از اساسنامه رم نیز نمی‌باشند. این موضوع هم در تعریف عناوین مجرمانه و هم در تعیین مجازات‌های آن‌ها صدق می‌کند؛

از این روست که ماده ۸۰ اساسنامه رم نیز بر اجرای مجازات‌های داخلی در خصوص جنایات بین‌المللی تأکید می‌کند و آن را مغایر مفاد اساسنامه تلقی نمی‌کند. این موضوع در عناوین بعدی به صورت عینی‌تر تشریح می‌شود.

۲. معرفی قوانین کشورهای تاجیکستان و بوسنی و افغانستان

نظام حقوقی بوسنی دارای قانونی با عنوان «قانون مجازات» است که در سال ۲۰۰۳ به تصویب رسیده و تا سال ۲۰۲۳ اصلاحاتی را به خود دیده است.^۱ قانون مجازات بوسنی و هرزگوین مصوب ۲۰۰۳ و اصلاحی ۲۰۲۳ قانونی است که از پیشگامان تصویب قانون داخلی در خصوص جنایات بین‌المللی به شمار می‌آید. بوسنی داعیه قربانی بودن جنایات بین‌المللی را در جریان جنگ‌های منطقه‌ای دارد و هنوز پرونده‌های متعدد این جنایات در محاکم بین‌المللی در جریان است (Bergsmo, 2010: 53-54). ورود جنایات بین‌المللی در قانون مجازات بوسنی و هرزگوین از نتایج جنبش قانون‌گذاری دولت‌های اروپایی در این زمینه است که پس از تصویب اساسنامه رم در اروپا با سرعت آغاز و به ثمر رسید. هرچند بوسنی عضو اتحادیه اروپا نیست؛ اما به دلیل عضویت در سازمان‌های اروپایی همانند شورای اروپا و سازمان امنیت و همکاری اروپا، از هنجارسازی اتحادیه و دولت‌های هم‌جوار همواره اثر پذیرفته و همسو با آن‌ها بوده است (Murtezić, 2015: 27). بر اساس بند ۱ از ماده ۹ این قانون، رسیدگی به «جرمی که طبق مفاد حقوق بین‌الملل و معاهدات بین‌المللی یا موافقت‌نامه‌های میان‌دولتی، دولت بوسنی و هرزگوین موظف به مجازات آن است» در صلاحیت دادگاه‌های داخلی این دولت است. بخش هفدهم این قانون با عنوان «جنایات علیه بشریت و ارزش‌های حمایت‌شده توسط حقوق بین‌الملل» به جنایات بین‌المللی اختصاص یافته و برخی مصادیق فراتر از اساسنامه رم، مدنظر قانون‌گذار بوسنیایی ذیل عنوان جنایت بین‌المللی قرار گرفته است؛ همانند پرداختن به تروریسم (مواد ۲۰۰ الی ۲۰۲)، جرائم مربوط به تسلیحات هسته‌ای (مواد ۱۹۴)، دزدی دریایی و نظایر آنکه در مجموعه حقوق بین‌الملل کیفری مدنظر قرار می‌گیرند، اما اساسنامه رم در خصوص آن‌ها مقرره‌ای ندارد. قانون بوسنیایی تقریباً الگوی اروپایی جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی را به تصویب رسانیده است و بدین واسطه عناصر مغایر شریعت اسلامی را نیز می‌توان ردیابی کرد و این اختصاصی به مقررات مربوط به جنایات بین‌المللی ندارد (Sijerčić-Čolić, 2021: 95-96). برای مثال در ماده ۱۷۲ از این قانون، فشار به گروه‌های جنسی همانند همجنس‌گرایان در عداد جنایت علیه بشریت تلقی شده

1. <https://www.tuzilastvobih.gov.ba/?opcija=sadrzaj&kat=4&id=40&jezik=e> (last visited: 18/2/2025).

است؛ موضوعی که در زمان تصویب اساسنامه رم با مقاومت کشورهای همانند ایران از متن اساسنامه خارج شد (میرحجازی، ۱۳۸۷: ۳۳۹). این قانون صلاحیت محاکم بوسنی را برای رسیدگی به جنایات اتباع بوسنی و بیگانگان در نظر گرفته و صلاحیت جهانی را در خود منعکس کرده است.

مواد مربوط به جنایات بین‌المللی در نظام حقوقی تاجیکستان در قانونی با عنوان «قانون مجازات تاجیکستان» (مصوب ۱۹۹۸ و اصلاحیه‌های آن تا ۲۰۲۰ میلادی) درج شده است. در ماده ۱۵ بند دوم محاکم تاجیکستان را برای رسیدگی به جنایاتی که توسط «هنجارهای حقوقی بین‌المللی به رسمیت شناخته شده توسط جمهوری تاجیکستان» یا توسط «معاهدات و موافقت‌نامه بین دولت تاجیکستان و دیگر دولت‌ها» جرم بین‌المللی شناخته شده‌اند را صلاحیت‌دار شناخته است. بخش ۳۴ از قانون تاجیکستان با عنوان «جنایات علیه صلح و امنیت بشری» به جنایات بین‌المللی اختصاص یافته است و قانون‌گذار تاجیکستانی به اصطلاحات حقوق بین‌الملل کیفری نیز اشارات صریحی داشته‌اند؛ به‌عنوان مثال موضوع عدم مصونیت مقامات تاجیکستانی در مواد مختلف این قانون تصریح شده‌اند. علاوه بر این قانون تاجیکستان تلاش کرده تا با استفاده از ادبیات حقوقی این کشور، برخی تعابیر مرتبط با جنایات بین‌المللی را تکمیل کند. برای مثال استفاده از تعبیر جنگ تجاوزکارانه^۱ به جای جنایت تجاوز در ماده ۳۹۵ را می‌توان از مصادیق این موضوع برشمرد. قانون تاجیکستان هرچند تمام اساسنامه را در خود منعکس نکرده و بدین سبب، انتقاداتی را به سمت خود کشانده است (Atadjanov, 2022: 284-5)، اما مصادیق متعددی را افزون مصادیق موجود در اساسنامه رم شامل می‌شود که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد روبرو اشاره کرد: جنایات بیوساید (زیست‌کشی) در ماده ۳۹۹، اکوسید در ماده ۴۰۰، به‌کارگیری مزدور در ماده ۴۰۱. شیوه نگارش مواد یادشده در قانون تاجیکستان به‌گونه‌ایست که صلاحیت محاکم داخلی را نسبت به افرادی که تبعه یا شهروند تاجیکستان نیستند، حاکم دانسته است.

«کد جزا» یا قانون مجازات افغانستان مصوب ۱۳۹۶ که تا دوره روی کار آمدن حکومت طالبان اجرا می‌شد نیز نمونه‌ای از تصویب قوانین مربوط به جنایات بین‌المللی در یک کشور اسلامی به شمار می‌آید. فرایند نگارش و تصویب این قانون در منظومه حقوقی دولت جمهوری اسلامی افغانستان (حکومت پیشین افغانستان) این قانون را به نمونه‌ای برای مطالعه تطبیقی بررسی قوانین مرتبط با جنایات بین‌المللی در دولت‌های اسلامی تبدیل کرده

۱. منظور از تجاوزکارانه، جنگ تهاجمی است که در مقابل تدافعی قرار می‌گیرد.

است؛ از این رو با علم به ملغی شدن قانون یادشده در نظام سیاسی جدید افغانستان (طالبان)، به‌عنوان نمونه‌ای در کنار دو قانون دیگر مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این قانون (ملغی شده) در فصل مجزایی (مواد ۳۳۲ الی ۳۴۲) بر جنایات بین‌المللی متمرکز شده است و در قسمت‌های دیگر نیز مصادیق مهم بین‌المللی همانند تروریسم و تأمین مالی آن (مواد ۲۴۳ به بعد) و جرائم هسته‌ای را مدنظر قرار داده است.

۳. مدل‌های جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی در قوانین داخلی

قوانین مصوب دولت‌های موضوع این مقاله، از الگوهای مختلفی تبعیت کرده‌اند که این الگوها قابل واکاوی هستند. هدف این نوشتار نیز تبیین الگوهای یادشده به قصد وصول به رهیافتی برای طراحی الگوی منطقی برای دولت‌های مسلمان (دارای جمعیت اکثریت مسلمان) است. از این رو، این قسمت از مقاله به بررسی سنجه‌های قانون‌گذاری در زمینه جنایات بین‌المللی با تمرکز بر سه قانون یادشده از بوسنی و هرزگوین، تاجیکستان و افغانستان اختصاص یافته است.

۳-۱. میزان تأثیرپذیری از اساسنامه رم

همان‌طور که پیش‌تر توضیح داده شد، یکی از اهداف تصویب قانون داخلی در زمینه جنایات بین‌المللی، تأمین نیازهای داخلی در چارچوب کلی حقوق بین‌الملل کیفری است. به بیان روشن‌تر قانون داخلی قرار نیست که کاملاً و عیناً تابع حقوق بین‌الملل کیفری باشد، بلکه صرفاً باید چارچوب کلی حقوق بین‌الملل را مراعات کند. این معنا از ماده ۸۰ اساسنامه رم نیز فهم می‌شود که در آن، اساسنامه را حاکم بر مقررات داخلی نمی‌داند. ماده ۸۰ مقرر می‌دارد که «هیچ‌یک از موارد مذکور در این بخش، بر اجرای مجازات‌هایی که قوانین ملی مقرر کرده‌اند، تأثیر نمی‌گذارد همچنان که بر قوانین کشورهایی که مجازات‌های مشروحه در این فصل را در قوانین خود پیش‌بینی نکرده‌اند، بی‌تأثیر است». البته این به مفهوم رهایی قوانین داخلی دولت‌های عضو اساسنامه رم از هرگونه تعهدی در زمینه جرم‌انگاری و مجازات‌های قانونی نیست؛ بلکه ماده ۲۱، مقررات داخلی را در چارچوب حقوق بین‌الملل به‌ویژه حقوق بشر مدنظر قرار می‌دهد و مغایرت شدید و فاحش را از اعتبار خارج می‌سازد (Sheppard, 2010: 43-44). بند ۳ ماده ۲۱ در مقام بیان قانون قابل اجرا در پرونده تصریح می‌کند که «در صورت اقتضا دیوان می‌تواند به قوانین ملی دولت‌هایی که قاعداً بر آن جرم اعمال صلاحیت می‌کنند، توجه کند مشروط بر اینکه مغایر با این اساسنامه و حقوق بین‌الملل و قواعد و ملاک‌های شناخته شده بین‌المللی نباشد».

حال که دولت‌ها در تعیین جزئیات مختار هستند، بنابر به اقتضائات نظم حقوق داخلی و مبتنی بر ملاحظات بومی، هر یک از نظام‌های حقوقی امکان برگزیدن شیوه‌ای را در قبال جرم‌انگاری داخلی جنایات بین‌المللی می‌توانند اتخاذ کنند. این شیوه‌ها مبتنی بر میزان تأثیرپذیری آن‌ها از متن اساسنامه رم قابلیت درجه‌بندی دارند. در این خصوص سه الگوی کلی وجود دارد: تبعیت عیناً از متن اساسنامه، خلاصه کردن متن اساسنامه در قوانین داخلی و طراحی الگوی تقنینی بومی جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی.

قانون مجازات افغانستان به دلیل شیوه آماده‌سازی متن پیش‌نویس آن در فضایی خارج از کشور افغانستان و اثرپذیری زیاد این قانون از تحولات به‌روز هنجارسازی‌های اروپایی تقریباً متن اساسنامه رم را در چهار دسته جنایات بین‌المللی در خود منعکس کرده است. مواد ۳۳۲ تا ۳۴۳ این قانون متن اساسنامه را تکرار کرده است. هرچند که در زمان تصویب این قانون شیوه اثرپذیری از شریعت مورد بحث‌های متعددی قرار گرفت (Mohamad, 2013: 299-301). اما میزان اثرپذیری این قانون از فضای حقوق بین‌الملل کیفری به حدی است که علاوه بر تأکید مکرر این مواد به چارچوب‌های حقوق بین‌الملل قراردادی (معاهداتی)، در برخی مواد به «عرف حقوق بین‌الملل» نیز ارجاع داده شده است (ماده ۳۳۹)؛ به دلیل حکفرمایی دکترین دوگانگی حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی، دولت‌ها صرفاً آن دسته از حقوق بین‌الملل را در حقوق داخلی خود قابل استناد ارزیابی می‌کنند که در قالب معاهدات به تصویب پارلمان‌های داخلی برسند (Crawford & Brownlie, 2019: 45). از این رو، استناد به عرف بین‌المللی که قابلیت تصویب در مجالس قانون‌گذاری را ندارد نشانه اثرپذیری شدید قانون افغانستان از ادبیات حقوقی بین‌المللی و بدون اعتنا یا التفات به سازوکار آن بود.

قانون بوسنی و هرزگوین نیز با همین الگو پیش رفته است. به عبارت دیگر این قانون نیز تقریباً تکرار اساسنامه رم است. ذکر این نکته ضروری است که اساسنامه رم در موادی که مرتبط با تعریف مصادیق جنایات بین‌المللی است، عموماً دست به ابداع نزده است و از ادبیات تثبیت شده در اسناد و معاهدات بین‌المللی استفاده کرده است (Clapham, 2015: 430). بنابراین، در مواد ۴ تا ۸ مکرر این اساسنامه که اختصاص به ذکر مصادیق چهار دسته جنایات بین‌المللی است، ادبیات یکسان برگرفته شده از معاهدات ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های ۱۹۷۷، کنوانسیون منع نسل‌کشی (ژنوسید) و حتی برخی قطعنامه‌های سازمان ملل همانند قطعنامه ۳۳۱۴ در خصوص تعریف تجاوز را با اندک دخل و تصرفی در خود منعکس کرده است.

قانون تاجیکستان برخلاف قوانین یاد شده، الگویی نوین را برگزیده که عبارت است از خلاصه‌سازی مواد اساسنامه و افزودن مصادیق جدید. این قانون در مواد اندکی، مهم‌ترین دغدغه‌های نظام حقوقی و سیاسی تاجیکستان را در این حیطه مدنظر قرار داده است و با استفاده از فواید برخورداری نظام حقوقی کشور از قوانین ناظر به جنایات بین‌المللی، از الگوی تصویب عیناً مواد اساسنامه رم اجتناب کرده است. این الگو که توسط برخی دولت‌های غیراسلامی دیگر (همانند روسیه) نیز تکرار شده است. هرچند این الگو به دلیل عدم شمول تمامی مواد اساسنامه و وارد نشدن تمامی آن‌ها در قانون داخلی مورد انتقاد بعضی نویسندگان حقوقی قرار گرفته (Atadjanov, 2022: 284-5)، اما فایده‌مندی اصلی این نوع از قانون‌گذاری آن است که ضمن ایجاد صلاحیت برای محاکم داخلی، بخشی از نیازهای داخلی را تأمین می‌کند.

۲-۳. تقدم یا تأخر زمانی در قانون‌گذاری

یکی از موضوعاتی که در کیفیت قانون‌گذاری باید مورد توجه قرار گیرد، زمان تصویب یک قانون است. هنگامی که قانون‌گذار داخلی امکان استفاده از تجارب قوانین دیگر را داشته باشد، نتیجه متعارف‌تر و کارآمدتر و مطلوب‌تری را می‌تواند، نشان دهد. از تجارب داخلی، پیش‌تر در قالب تصویب عیناً قوانین خارجی استفاده می‌شد که قانون تجارت در ایران را می‌توان محصول این نگرش دانست. این تجربه و تجربه استفاده از قوانین الگو (مدل‌لا) تا آغاز هزاره دوم میلادی توسط سازمان‌های بین‌المللی ترویج می‌شد و تصویب قوانینی همانند قانون تجارت الکترونیک ایران را می‌توان مولود همین تلاش‌ها ارزیابی کرد (Karimi & Akbari, 2017: 394). به تدریج این درک از قانون‌گذاری حاصل شد که قانون برساخته اجتماعی است و قانونی می‌تواند در یک جامعه کارآمدی لازم را داشته باشد که مولود تفکر، تاریخ، مذهب و عناصر مقوم جامعه دیگری نباشد، بلکه زاییده همان جامعه باشد (Annamma et al, 2017:147). از این رو، الگوی دیگری در قالب الگوی بومی‌سازی قوانین خارجی یا استفاده جزئی از تجربیات دیگر کشورها و سازمان‌های میان‌دولتی در دستور کار مجالس قانون‌گذاری قرار گرفت.

با تصویب اساسنامه رم، موج قانون‌گذاری‌های داخلی در زمینه جنایات بین‌المللی از اروپا شروع شد و تمامی دولت‌های اروپایی با فاصله اندکی قوانین داخلی خود را به تصویب رسانیدند. به دلیل نزدیکی تاریخ تصویب قانون بوسنیایی با تصویب اساسنامه رم و عدم وجود تجربه کافی در دیگر دولت‌ها، قانون بوسنیایی فاقد مجال

کافی برای بومی‌سازی مواد مربوط به جنایات بین‌المللی بود. این موضوع در افغانستان وضعیت دیگری را تجربه کرد. دولت جمهوری اسلامی افغانستان به دلیل شرایط سیاسی و تجربه کم قانون‌گذاری، قانون مجازات را با هدایت مراکز پژوهشی اروپایی به‌ویژه آلمانی پیش برد (توحیدخانه، ۱۳۸۸) و این دو عامل منجر شد که قانون‌گذار افغانستانی نتواند از عنصر فاصله زمانی تصویب قانون داخلی با زمان تصویب اساسنامه استفاده لازم را ببرد و تجربیات قانون‌گذاران داخلی دیگر دولت‌ها را در راستای بومی‌سازی به کار بندد.

تجربه قانون تاجیکی نیز از منظر این سنج، دارای نقاط ضعف و قوتی است. قانون‌گذار تاجیکستان ضمن بهره بردن از قانون داخلی و انسداد امکان استناد به صلاحیت تکمیلی علیه اتباع این دولت، تلاش کرد تا کلیدی‌ترین جرائم مدنظر سیاست‌گذار کلان خود را به تصویب برساند و در این راه، از افراط‌گرایی دولت‌های متقدم درس آموخت که لزومی به تبعیت کامل از اساسنامه رم نیست. این نقطه قوت را می‌توان از یکی از نتایج و یکی از عوامل تصویب با فاصله زمانی قانون در مجلس قانون‌گذاری تاجیکستان دانست. به بیان روشن‌تر نظام تقنین این کشور عجله‌ای از خود را برای تصویب قانون نشان نداد و همین عامل منجر شد که میزان ابتکار قانون تاجیکستان در خصوص جنایات بین‌المللی از دو نمونه دیگر بیشتر باشد.

۳-۳. دامنه جرائم مندرج در قوانین داخلی

دامنه جرائمی که در قوانین موضوع این نوشتار مدنظر قانون‌گذاران داخلی قرار گرفته است، متأثر از دو عامل اصلی است. نخست، اینکه همان‌طور که پیشتر ارائه شد، در فرایند تصویب اساسنامه رم، پیش‌نویس این معاهده مبتنی بر ادبیات موجود حقوق بین‌الملل که در معاهدات و اسناد بین‌المللی منعکس شده است، نوشته شد (Clapham, 2015: 430). به‌عنوان مثال بسیاری از ادبیات موجود در معاهدات مربوط به حقوق بشردوستانه، در مواد ۷ و ۸ منعکس شده‌اند (خالقی، ۱۳۹۴: ۲۱-۲۳). در نتیجه اساسنامه رم، تجمیعی مبتکرانه از ادبیات معاهدات بین‌المللی است، با این تفاوت که در آن معاهدات به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها اشاره شده بود (Crawford & Olleson, 2003: 449) و اساسنامه رم، مسئولیت کیفری افراد را مدنظر قرار داد (Milietto, 2007: 941-942). برای مثال معاهدات چهارگانه ژنو به نقض تعهدات حقوقی در زمان جنگ می‌پردازد و هدفش، مسئول دانستن دولت‌های ناقض این تعهدات است؛ درحالی‌که ماده هشت مکرر اساسنامه رم به دنبال مسئولیت کیفری مقامات سیاسی و نظامی مشارکت‌کننده در نقض تعهدات یادشده در زمان جنگ است.

دولت‌ها لزوماً عضو تمامی معاهداتی که مفاد آن‌ها در اساسنامه دوباره منعکس شده است، نیستند. این عدم عضویت ناشی از موضوعات مختلفی است که در چارچوب سیاست‌های کلی یک دولت تعریف می‌شود. در نتیجه دولت‌ها به همان دلیل که در یک معاهده عضو نمی‌شوند، همان قسمت متناظر در اساسنامه رم را نیز منتقل نمی‌کنند. این موضوع در قانون تاجیکستانی به‌وضوح قابل‌رؤیت است؛ زیرا که این قانون شکل خلاصه‌ای از اهم مصادیق جنایات بین‌المللی است.

دوم، اینکه در این سه قانون، بسته به میزان تمایل قانون‌گذار به ابتکار و افزودن مصادیق جدید، دامنه جرائم مربوط به جنایات بین‌المللی نیز متفاوت است. قانون‌گذار افغانستانی و بوسنیایی با وجود درج تمامی مصادیق مندرج در اساسنامه رم و برخورداری قانون داخلی آن‌ها از فهرست بلندی از مصادیق جنایات بین‌المللی، تقریباً تجربه‌ای بدون ابتکار را به نمایش گذاشته‌اند. این در حالی است که قانون‌گذار تاجیک با وجود برگزیدن الگوی قانون‌گذاری خلاصه و حذف بخشی از مصادیق مندرج در اساسنامه، ابتکاراتی داشته است. جنایات بیوساید (زیست‌کشی) در ماده ۳۹۹، اکوسید در ماده ۴۰۰ و تروریسم مواردی به شمار می‌آید که قانون‌گذار تاجیک یا به منظومه جنایات بین‌المللی اضافه کرده است یا اینکه تقریری نوین از آن ارائه می‌دهد.

۴-۳. گستره مجازات‌های پیش‌بینی شده

اساسنامه رم در ماده ۷۷ حداکثر مجازات برای جنایات بین‌المللی را ۳۰ سال حبس مقرر می‌دارد. درج مفاد دوگانه ماده ۸۰ راجع به عدم مغایرت اساسنامه با اجرای قانون داخلی و ماده ۲۱ در خصوص به رسمیت‌شناسی قوانین داخلی در چارچوب حقوق بین‌الملل به‌ویژه حقوق بین‌الملل بشر منجر شد (Sheppard, 2010: 43-44) تا این ابهام پیش آید که آیا مجازات‌های فراتر از آنچه اساسنامه مقرر کرده است، از نظر اساسنامه قابل‌قبول است یا نه؟ این موضوع به‌ویژه برای مسلمانان که دارای نظام جزادهی قابل‌توجهی در شریعتشان هستند، موضوع مهمی بود. رویه عمومی دولت‌ها به‌تدریج این موضوع را مستقر کرد که در قانون داخلی مربوط به جنایات بین‌المللی لزومی به رعایت نظام جزادهی اساسنامه وجود ندارد. برای مثال روسیه در قانون مجازات روسیه (اصل قانون مصوب ۱۹۹۶ که دارای اصلاحات در سال‌های بعد است)، در ماده ۳۵۷ ذیل عنوان مجرمانه جنایت نسل‌زدایی (نسل‌کشی) مقرر می‌دارد: «اقداماتی که با هدف نابودی کامل یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از طریق کشتن اعضای آن، وارد کردن صدمات شدید به سلامتی آن‌ها، جلوگیری اجباری از تولد و

تناسل، انتقال اجباری کودکان، اسکان اجباری یا هر روش دیگری که منجر به ایجاد شرایط زندگی سخت منتهی به نابودی فیزیکی اعضای این گروه شود، به حبس از ۱۲ تا ۲۰ سال و دو سال همراه با محرومیت از آزادی‌های اجتماعی، یا حبس ابد یا اعدام محکوم خواهد شد».

از میان قوانین موضوع مطالعه این نوشتار، قانون بوسنی و هرزگوین به دلیل تأثیرپذیری از موج اروپایی، از مجازات اعدام صرف‌نظر کرده است، اما دو قانون دیگر اعدام را برای جنایات شدید مقرر کرده‌اند. ماده ۳۹۸ قانون تاجیکستان ذیل عنوان نسل‌زدایی (نسل‌کشی) تصریح می‌کند که مرتکب به «حبس از ۱۵ تا ۲۰ سال یا مجازات اعدام محکوم می‌شود». ماده ۳۳۴ قانون افغانستان مجازات نسل‌کشی را حبس دائمی دانسته است، مگر در مواردی که مرتکب قتل شده است که در این حالت اعدام خواهد شد. همچنین در مواد ۳۳۶ و ۳۳۸ نیز در خصوص جنایات علیه بشریت، قانون‌گذار افغانستان در مصادیق شدید اعدام را تجویز کرده است.

این تصور در محافل علمی داخلی ایران وجود دارد که درج مجازات اعدام منجر به تعارض با حقوق بین‌الملل به‌ویژه حقوق بین‌الملل بشر خواهد شد و در نتیجه دادرسی محاکم ایران از منظر دیوان خدشه‌دار می‌گردد؛ پس وجود مجازات اعدام در قانون داخلی ایران در خصوص جنایات بین‌المللی نمی‌تواند مانع اصل صلاحیت تکمیلی گردد. با توجه به آنچه بیان شد و مصادیق مختلف موجود و به‌ویژه ماده ۸۰ اساسنامه رم در خصوص عدم ممانعت اساسنامه از اجرای قوانین داخلی، بطلان تصور یادشده محرز است و اینکه دیوان به‌صرف وجود مجازات اعدام، دادرسی محاکم ایران را معتبر نشمارد، مردود است. ذکر این نکته ضروری است که برخی دولت‌ها وجود مجازات اعدام را مانع استرداد می‌دانند و این عمل را مبتنی بر حقوق بین‌الملل بشر معرفی می‌کنند (Wouters, 2009: 240). از این رو اگر قانون ایران، اعدام را در خود منعکس کند ممکن است صرفاً منجر به عدم استرداد جانی به ایران شود.

۴. رهیافتی تقنینی برای ایران

ایران در تصویب اساسنامه رم نقش مهمی را ایفا کرد. ایران با برخورداری از سمت‌های همچون «رئیس سازمان کنفرانس اسلامی»، «رئیس گروه آسیایی» و «هماهنگ‌کننده جنبش عدم تعهد» در جریان تصویب اساسنامه رم کوشید تا بخشی از صدای آسیایی و اسلامی دولت‌های موجود را در اساسنامه منعکس کند و رهاورد این مشارکت، نقش ایجابی و سلبی دولت ایران بود (ظریف، ۱۳۸۷: ۱۷)؛ نقش ایجابی در خصوص درج برخی

مواد همانند ماده ۸۰ راجع به احترام قوانین ملی و نقش سلبی همانند ممانعت از پوشش حمایتی اساسنامه رم در خصوص گروه‌های همجنس‌گرا (میرحجاری، ۱۳۸۷: ۳۳۹). پس از تصویب اساسنامه رم نیز ایران به‌عنوان یک مشارکت‌کننده فعال اعلام کرد که این مسیر را ادامه خواهد داد.

در این راستا رئیس وقت قوه قضائیه اعلام کرد که با تصویب اساسنامه رم موافق است. آیت‌الله محمد یزدی، رئیس وقت قوه قضائیه در اظهاراتی شفاف تصریح کرد که «من شخصاً حداقل ۶ یا ۷ سال پیش اولین بار این مسئله (تأسیس دادگاه بین‌المللی برای جنایات بین‌المللی) را در جلسه معاونان و مشاوران مطرح کردم، شاید برخی نیز در این جلسه حضور داشتند که تقریباً به اتفاق آرا گفتند این کار عملی نیست. هنگامی که بحث مطرح شد من به مقامات وزارت امور خارجه هم گفتم که ما به‌نوبه خودمان موافق هستیم و این (وجود این دادگاه) بدان معنا نیست که هر آنچه آن‌ها می‌گویند، درست است و وجود چنین دادگاهی به معنای دخالت درون دستگاه قضایی درون کشورها نیست، به معنای تصرف در شعاع قوه قضائیه هر کشوری که مجریان آن کشور بر اساس قوانین داخلی خودشان بررسی می‌کنند، نیست» (یزدی، ۱۳۸۷: ۱۱-۱۳). اما لایحه تصویب اساسنامه رم، هیچ‌گاه به مجلس ارسال نگردید. دلیل این موضوع را باید در چند عامل اصلی دانست. نخست، اینکه دولت ایران به حسن عملکرد آتی دیوان اعتماد نداشت و می‌دانست که نهادهای میان‌دولتی در سال‌های پس از تأسیس سازمان ملل به‌شدت متأثر از سیاست بین‌الملل و به‌ویژه سیاست دولت‌های غرب سیاسی هستند. کما اینکه یک دهه فعالیت دیوان کیفری بین‌المللی و وجود اکثریت پرونده‌ها علیه دولت‌های آسیایی و آفریقایی و مسلمان نیز صحت این مدعا را تثبیت کرد (ذاکر حسین، ۱۳۹۹: ۱۲-۱۴). علاوه بر این مغایرت با شریعت اسلامی و نظم حقوقی کنونی دو عامل مهم در تردید ایران به شمار می‌آید (مهرپور، ۱۳۹۰).

با توجه به این تفاسیل دولت ایران هیچ‌گاه لایحه تصویب اساسنامه را به مجلس شورای اسلامی ارسال نکرد؛ اما این بدان معنا نبود که ایران به قانون داخلی در خصوص جنایات بین‌المللی و جرم‌انگاری آن‌ها نیاز نداشت. فقدان قانون صلاحیت‌بخش به محاکم ایران برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی موضوع مهمی است که می‌تواند به سنجه‌ای برای پایش «توانایی» و «تمایل» دولت ایران به رسیدگی جنایات بین‌المللی به شمار آید و فقدان چنین قانون منجر به فعال‌سازی سازوکار صلاحیت تکمیلی شود. اهمیت این نکته را باید در آن دانست که در یک دهه اخیر مصادیقی از جنایات بین‌المللی همانند جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی علیه مقامات سیاسی و نظامی

ایران در مجامع بین‌المللی مطرح شده (Human Right Council, 2024: 182) و مخالفان دولتی و غیردولتی ایران به دنبال طرح این مسئله برای ایجاد فشار به دولت ایران هستند.

علاوه بر این، با توجه به اجتناب ایران از پذیرش الگوهای تقنینی خارجی و موانع فقهی متعدد، این قانون داخلی جرم‌انگاری‌کننده جنایات بین‌المللی است که می‌تواند ایران را در مقابله با جنایات بین‌المللی از منظر حقوقی، توانمند سازد. ذکر دو نکته ضروری است. نخست، اینکه ایران عضو بسیاری از معاهداتی که مفادشان در اساسنامه رم منعکس شده، است و درج مجدد آن‌ها در قانون منقح داخلی آسیبی به همراه نمی‌آورد. دوم، اینکه در حال حاضر قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی ایران، محاکم ایران را مکلف به رسیدگی قضایی به جنایات بین‌المللی خاصی کرده‌اند؛ درحالی‌که صلاحیت لازم برای رسیدگی به این جنایات را برای محاکم ایرانی در قانون تدارک ندیده‌اند. به‌عنوان مثال ماده ۱۱ از «قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت» مصوب ۱۳۹۹ تکلیف کرده است که «دادستان کل کشور با همکاری وزارت امور خارجه و دفتر خدمات حقوقی ریاست جمهوری مکلف است با بهره‌مندی از ظرفیت‌های مراجع و نهادهای داخلی، خارجی و بین‌المللی، نسبت به حمایت از مردم فلسطین و سایر قربانیان نسبت به طرح شکایت و محاکمه و اجرای احکام مجازات سران جنایتکار رژیم اشغالگر صهیونیستی به دلیل ارتکاب جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی، نسل‌کشی، جنایت تجاوز و اقدامات تروریستی در داخل و خارج از سرزمین‌های اشغالی، در محاکم ذی‌صلاح داخلی و خارجی و دادگاه‌ها و دیوان بین‌المللی اقدام نماید». همچنین در ماده ۳ از «قانون الزام دولت به حمایت همه‌جانبه از مردم مظلوم فلسطین» مصوب ۱۳۸۷ مجلس تصویب کرد که «بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل، جنایات انجام شده در غزه، از مصادیق بارز جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی است. دولت موظف است از طریق مجامع بین‌المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد، موضوع محاکمه سران رژیم اشغالگر قدس را در دادگاه دیوان کیفری بین‌المللی و محاکم داخلی کشور به‌عنوان جنایتکار علیه بشریت و عاملان نسل‌کشی پیگیری نماید.»

تصویب قانون داخلی می‌تواند فرصتی برای ایران درج مؤلفه‌های مدنظر قانون‌گذار و سیاست‌گذار ایرانی به شمار آید. برای مثال اشغالگری به‌عنوان یک جنایت بین‌المللی در اساسنامه رم آمده است (Eden, 2014: 171-172) و ایران می‌تواند در قانون داخلی خود به این ابعاد بیشتری از این موضوع و با تفصیل حداکثری نسبت به آنچه در اساسنامه آمده است، بپردازد؛ زیرا که مقابله حقوقی با جنایات بین‌المللی ناشی از اشغالگری رژیم صهیونیستی همواره یکی از دغدغه‌های نظم حقوقی و تقنینی بوده است. در حال حاضر کشورهای متعددی اقدام

به تصویب قانون داخلی در خصوص جنایات بین‌المللی کرده‌اند و برخی همانند دولت‌های همسایه ایران، صلاحیت خود را نسبت به اتباع خارجی نیز توسعه داده‌اند که مشمول ایرانیان متهم به جنایات بین‌المللی نیز خواهد شد. تصویب نکردن قانون داخلی نه تنها مانع ایران در برخورد با جنایات بین‌المللی شده است، بلکه در مواردی که ایران مجبور به رسیدگی به جنایات ادعای علیه یا توسط اتباع خودش شود، به دلیل فقدان قانون داخلی همانند برخی تجربیات عبرت‌برانگیز گذشته، عجلتاً مجبور به استفاده از قوانین خارجی خواهد شد که آثار سوء عجله در تصویب قانون و نمونه‌برداری بدون تأمل را به همراه می‌آورد. حال این سؤال پیش می‌آید که راهکار چیست؟

همان‌طور که تشریح شد، قوانین دولت‌های مسلمان در خصوص جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی قالبی از انتقال متن اساسنامه رم به قوانین داخلی به صورت عیناً یا به صورت خلاصه بود. الحاق ایران به اساسنامه به دلیل مقتضای خاص نظم حقوقی برخاسته از فقه و قانون موضوعه، با ایراداتی از جنس فقه و قانون اساسی روبه‌رو خواهد شد؛ هرچند تلاش‌هایی علمی برای رفع این ایرادات صورت پذیرفته است (محقق داماد، ۱۳۹۰)؛ اما این الحاق همچنان موانع فقهی، حقوقی و عملی فراوانی در پیش‌رو دارد. در نتیجه نظم حقوقی ایران نیازمند تصویب قانونی است که ضمن رعایت چارچوب کلی حقوق بین‌الملل و عدم انحراف فاحش از آن، الگوی بومی خود را به تصویب برساند. الگویی که ضمن تمهید منافع ایران، کمترین آسیب ممکن را به همراه داشته باشد. این الگو به دلیل فقدان تجربه پیشینی در طراحی الگوی دینی-ملی در دولت‌های اسلامی، می‌تواند به عنوان الگویی برای دولت‌های مسلمان دیگر مورد تقلید و الگوبرداری قرار گیرد. همچنین این الگو به دلیل فقدان نمونه دیگر، قابلیت استفاده از در سازمان‌های میان‌دولتی اسلامی همانند سازمان همکاری اسلامی برای اقدام در خصوص جنایات بین‌المللی دارد (خالقی، ۱۳۹۴: ۳۷-۳۸)؛ موضوعی که در ادبیات حقوقی با تعبیری همانند «تقنین مشترک» (حبیب‌نژاد؛ تسخیری، ۱۳۹۵: ۴۴-۴۵) یا «قانون‌گذاری نمونه» شناخته می‌شود (مجیدی؛ خادمی، ۱۴۰۳: ۲۲۸-۲۲۶). الگوی یادشده، قابلیت ایجاد همگرایی حقوقی جزئی را در میان دولت‌های مسلمان به همراه خواهد آورد و ضمن رفع دغدغه‌های شرعی در خصوص جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی و مجازات آن‌ها، منافع ملی یادشده را نیز تأمین می‌کند.

نتیجه‌گیری

پس از تصویب اساسنامه رم، دولت‌های مختلفی اقدام به تصویب قوانین داخلی در خصوص جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی کردند. این اقدام گسترده در راستای غیرفعال‌سازی اصل صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین‌المللی و تکمیل نظام حقوقی داخلی صورت گرفت. در میان دولت‌های اسلامی (با جمعیت اکثریت مسلمان)، تجربه سه قانون مصوب در بوسنی و هرزگوین و تاجیکستان و افغانستان (جمهوری اسلامی افغانستان) در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت. ایران نیز با فلسفه رفع نیاز داخلی، به تعویق انداختن صلاحیت تکمیلی دیوان، تمهید صلاحیت جهانی برای محاکم داخلی در مبارزه با جنایات بین‌المللی و وارد ساختن مؤلفه‌های ملی، نیازمند به قانونی در این خصوص است؛ قانونی که می‌تواند از تجارب دیگر دولت‌ها به‌ویژه دولت‌های مسلمان بهره‌برد.

قانون بوسنیایی به دلیل تقدم در امر قانون‌گذاری و فاصله اندک از زمان تصویب اساسنامه رم، فاقد ابتکارات قابل توجهی است و متن اساسنامه به‌صورت عیناً در قانون داخلی بوسنی منعکس شده است. این قانون مؤلفه‌های دینی همانند استفاده از مجازات‌های شرعی را در خود به نمایش نمی‌گذارد. قانون افغانستان با وجود برخورداری از فاصله زمانی بیش از یک دهه با زمان تصویب اساسنامه رم، به دلیل تأثیرپذیری شدید از هنجارهای بین‌المللی و نگرش اروپایی در تدوین این قانون، الگوی تصویب عیناً اساسنامه رم را برگزیده است و به‌رغم عدم ابتکار در دامنه جرائم، اعدام را در عداد مجازات‌های مندرج در قانون خود آورده است. قانون‌گذار تاجیکستانی از الگوی خلاصه‌گزینی بهره‌برده و گزیده‌ای از مهم‌ترین جنایات بین‌المللی را به قانون داخلی منتقل کرده است. تاجیکستان در این الگو، ابتکار عمل را به دست گرفته و مصادیقی را نیز به جنایات بین‌المللی افزوده و در دایره تکرار متوقف نشده است. هرچند این ابتکار بسیار جزئی به شمار می‌آید، اما به دلیل اثرگذاری در دامنه جرائم و مجازات‌ها (استفاده از مجازات اعدام)، رویکرد نیمه‌فعالانه‌ای را برای قانون‌گذار تاجیکی رقم زده است.

الحاق به اساسنامه رم قریب به دو دهه موضوع مطرح در محافل علمی، حقوقی و قانون‌گذاری ایران است. برآمد استدلال‌های موجود گواه آن است که قانون‌گذار ایران نیز به دلیل وجود موانع حقوقی، فقهی و ملاحظات سیاست‌گذاران کلان در الحاق به اساسنامه رم، از الحاق عبور خواهد کرد و قانون‌گذاری در این حوزه روی خواهد آورد. این قانون، ضمن تمهید صلاحیت برای محاکم ایران در رسیدگی به جنایات ادعایی علیه یا توسط اتباع ایران، می‌تواند دامنه صلاحیت ایران را نسبت به غیرایرانیان نیز توسعه دهد، مؤلفه‌های ملی و دغدغه‌های داخلی را تأمین

و فرایند فعال‌سازی صلاحیت تکمیلی در دیوان و دیگر محاکم خارجی را متوقف یا مختل سازد. از میان منافع مطرح‌شده در جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی می‌توان خدشه‌دار کردن صلاحیت تکمیلی دیوان و اندراج مؤلفه‌ها و دغدغه‌های ملی را دو موضوع بسیار مهم دانست.

بر اساس نوشتار پیش‌رو، قانون ایرانی جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی می‌تواند به دلیل بهره‌گیری از ادبیات بومی (اسلامی و ایرانی) به الگویی برای قانون‌گذاری فعالانه و مبتکرانه در چارچوب کلی حقوق بین‌الملل کیفری به شمار آید و در راستای تقنین مشترک، توسط دیگر دولت‌های مسلمان یا آسیایی به‌صورت جزئی یا عیناً مورد بهره‌برداری تقنینی قرار گیرد. این قانون ظرفیت ایجاد الگوپردازی در راستای همگرایی حقوقی کشورهای اسلامی را به همراه دارد و قانون‌گذار ایرانی باید با تأمل و در فرصت کافی اقدام به طراحی این الگوی تقنینی کند و برخلاف برخی تجربیات تقنینی از استفاده از قوانین خارجی و یا قانون‌گذاری مستعجل اجتناب کند.

فهرست منابع

- توحیدخانه، محمدصدر (۱۳۸۸)، رهنمود ماکس پلانک برای حقوق جزای عمومی افغانستان، انتستوی ماکس پلانک برای حقوق جزای خارجی و بین‌الدول، چاپ سوم.
- حبیب‌نژاد، سید احمد و تسخیری، محمد صالح. (۱۳۹۵). «تقنین مشترک کشورهای اسلامی در حوزه حقوق بشردوستانه»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۳، شماره ۴، ۲۹-۴۸.
- خالقی، ابوالفتح (۱۳۹۴)، حقوق بین‌الملل کیفری اختصاصی، تهران: مجد.
- دارابی، شهرداد (۱۴۰۱)، پ «اسخ‌گذاری ترکیبی در سیاست جنایی بین‌المللی»، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۱۹، شماره ۲۴، ۹۵-۱۲۴.
- ذاکر حسین، هادی (۱۳۹۹)، آیین پیش‌دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- ظریف، محمدجواد (۱۳۸۷)، «دیوان بین‌الملل کیفری و جمهوری اسلامی ایران»، در «دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران»، به اهتمام اسحاق آل‌حبیب، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- مجیدی، محمدرضا و خادمی، غلامرضا (۱۴۰۳). «ارزیابی رابطه بین قانون‌گذاری نمونه مجامع بین‌پارلمانی و همگرایی منطقه‌ای در کشورهای مستقل هم‌سود»، مجلس و راهبرد، دوره ۳۱، شماره ۱۱۹، ۲۰۳-۲۳۳.
- محقق‌داماد، سید مصطفی (۱۳۹۰). «الحاق ایران به دیوان کیفری بین‌المللی از منظر قاعده نفی سبیل» در «جمهوری اسلامی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی»، به کوشش رضا موسی‌زاده و اکبر امینیان، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی مرکز تحقیقات استراتژیک.
- مهرپور، حسین (۱۳۹۰). «موانع شرعی الحاق ایران به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی» در «جمهوری اسلامی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی»، به کوشش رضا موسی‌زاده و اکبر امینیان، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی مرکز تحقیقات استراتژیک.
- میرحجازی، سید احمد (۱۳۸۷)، «قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، در «دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران»، به اهتمام اسحاق آل‌حبیب، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- یزدی، محمد (۱۳۸۷)، «سخنرانی افتتاحیه» در «دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران»، به اهتمام اسحاق آل‌حبیب، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

References

- Annamma, Subini Ancy, Darrell D. Jackson, and Deb Morrison (2017), "Conceptualizing Color-evasiveness: Using dis/ability Critical Race Theory to Expand a Color-blind Racial Ideology in Education and Society." **Race Ethnicity and Education** 20, No. 2, 2017. 147-162.
- Atadjanov, Rustam (2022). Domestic Implementation of Crimes against Humanity in Central Asia. **Asian Journal of Comparative Law**, 17(2), 268-285.

- Bergsmo, M, Helvig, K, Utmelidze, I, & Zagovec, G. (2010). **The Backlog of Core International Crimes Case Files in Bosnia and Herzegovina** (Vol. 3). Torkel Opsahl Academic EPublisher.
- Clapham, Andrew, Gaeta, P, Sassòli, M, & van der Heijden, I. (Eds.). (2015). **The 1949 Geneva Conventions: a Commentary**. Oxford University Press.
- Crawford, James, & Brownlie, Ian (2019). **Brownlie's Principles of Public International Law**. Oxford University Press, USA.
- Crawford, James, & Olleson, Simon (2003). **The Nature and Forms of International Responsibility**. International Law, 445.
- Eden, Paul (2014). The Role of the Rome Statute in the Criminalization of Apartheid. **Journal of International Criminal Justice**, 12 (2), 171-191.
- Fife, Rolf Einar (2015). Non-prejudice to National Application of Penalties and National Laws. In **The Rome Statute of the International Criminal Court** (pp. 1910-1915). Nomos Verlagsgesellschaft mbH & Co. KG.
- Human Rights Council (2024), Report of the Independent International Fact-finding Mission on the Islamic Republic of Iran, 26 February–5 April 2024
- Karimi, Abbas, & Akbari, Mohamad (2017). Basic Conditions of Validity of Electronic Contracts in Iran and UNCITRAL Model Law. **Journal of History, Culture & Art Research/Tarih Kültür ve Sanat Arastirmalari Dergisi**, 6(1)
- Mayans-Hermida, Beatriz & and Barbora Holá (2020), "Balancing 'the International' and 'the Domestic' Sanctions under the ICC Principle of Complementarity", **Journal of International Criminal Justice**, 18. 5: 1103-1130.
- Militello, Vincenzo (2007). The Personal Nature of Individual Criminal Responsibility and the ICC Statute. **Journal of International Criminal Justice**, 5(4), 941-952.
- Mohamad, Tun Abdul Hamid. (2013). In Search of a Suitable Model of Penal Code for Afghanistan. **ICR Journal**, 4 (2), 298-303.
- Murtezić, Arben (2015). Assessment of Compliance of the Criminal Codes in Bosnia and Herzegovina With the Council of Europe Cybercrime Convention. **Kriminalističke teme—Časopis za kriminalistiku, kriminologiju i sigurnosne studije**, 15 (5-6), 23-34.
- Randhawa, Suwita Hani (2022), "International Criminalization and the Historical Emergence of International Crimes", **International Theory**, 14 (3): 460-502.
- Sheppard, Daniel (2010). The International Criminal Court and "Internationally Recognized Human Rights": Understanding Article 21 (3) of the Rome Statute. **International Criminal Law Review**, 10(1), 43-71.
- Sijerčić-Čolić, H. (2021). Bosnia and Herzegovina. *Schriften zum Strafvollzug, Jugendstrafrecht und zur Kriminologie*, 89.
- Wouters, Cornelis Wolfram (2009). **International Legal Standards for the Protection from Refoulement: A Legal Analysis of the Prohibitions on Refoulement Contained in the Refugee Convention, the European Convention on Human Rights, the International Covenant on Civil and Political Rights and the Convention against Torture**. Leiden University
- Zawati, H. M. (2016). The International Criminal Court and Complementarity. **Journal of International Law & International Relations**, 12, 208.